



فریده صمدی

چکیده

لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم الآخر و ذكر الله كثيرا (احزاب، ۳۳ / ۲۱)؛ برای شما در زندگی، رسول خدا سرمشق نیکویی است، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. درباره شیوه های تبلیغی و فرهنگی پیامبر (ص) که در حقیقت اصلاح جامعه آن روز بود، انقلاب عمیقی در شریان حیات فرهنگی مردمی که از مراتب اخلاق و تمدن محروم بودند، پدید آورد.

مرحله اول اصلاحات پیامبر در مکه بود که پس از بعثت ایشان، تدریجاً آغاز شد و با تلاش هایی که از سوی آن حضرت به عمل آمد، انسانهایی مؤمن تربیت شدند و مقدمات براندازی شرک و بت پرستی فراهم شد. ابزارهای موفقیت پیامبر در این اصلاحات در دوران بعثت و هجرت، مخصوصاً قرآن و خصوصیات اخلاقی مانند: صبر و استقامت پیامبر در مقابل مشکلات بود.

مرحله دوم: با هجرت از مکه به مدینه آغاز شد، که با ساختن مسجد تحقق یافت. پیامبر با ایجاد پیوند برادری از اختلافات داخلی جلوگیری، و آرامش را در مدینه برقرار کردند. این مهم زمینه توجه بیشتر به علم و دانش و تعلیم و تربیت را فراهم کرد و به تدریج از اعرابی که از تمدن و فرهنگ به دور بودند، انسانهای مؤمن و با فرهنگ

و عالمان دین پرورش داد و اینان به عنوان مبلغان اسلام، به اطراف و اکناف جزیره العرب اعزام می شدند. از سوی دیگر مکاتبات پیامبر با سران کشورها، گذشته از تثبیت موقعیت مسلمانان، نشان از جهانی بودن رسالت پیامبر داشت. پیامبر با قوانین مدنی و اخلاقی، نظم و تمدن و فرهنگ را بر محیط جزیره العرب حاکم ساختند. در این مقاله، با اصلاحات تبلیغی و فرهنگی بزرگ شخصیت عالم بشریت، پیامبر اسلام در مکه و مدینه، با الهام از آیات الهی، آشنا خواهیم شد. کلیدواژه ها: پیامبر (ص)، اخلاق، اصلاحات، تبلیغ و روش های آن.

قرآن کریم و حیات طیبه پیامبر (ص)

حضرت امام خمینی^(۵)، بستر سازی و فضا سازی قرآن برای دعوت مردم، جهت ورود به حیات طیبه را این گونه تبیین نموده اند:

از مقاصد و مطالب قرآنی، دعوت به تهذیب نفوس و تطهیر بواطن از ارجاس طبیعت و تحصیل سعادت، وبالجمله، کیفیت سیر و سلوک الی الله است. این قرآن است که هدایت می کند ما را به مقاصد عالیه ای که در باطن ذاتمان توجه به او هست، هدایت به سبیل سلامت و اخراج از همه مراتب ظلمات، هدایت به عالم نور و طریق مستقیم. باید انسان با تفکر در آیات شریفه، مراتب سلامت را از مرتبه دانه آن، که راجع به قوای ملیکه است، تا منتهی النهایه آن، که حقیقت قلب سلیم است بدست آورد.^۱

قرآن شفا بخش و منور کننده دل‌های آماده: شهید نواب صفوی خطاب به فرزندش و فرزندان مکتب قرآن برای تحول جامعه و حرکت به سوی حیات معنوی چنین نوشته است: فرزندم صفحه دلت باید آینه ای باشد که حقایق قرآنی در آن منعکس گردیده و از آن به قلوب دیگران رسیده، محیط شما و اجتماع دور و نزدیک شما را منور کند. این قرآن و آن صفحه دل پاک شما.^۲

شهید نواب آوردن مکارم و ارزشهای قرآنی پیامبر را در متن زندگی، شفایابی و تحصیل حیات طیبه دانسته و چنین توصیه کرده است:

گل درخت (سخاوت) و مغز حبه (صبر) و برگ (فروتنی) را به ظرف (یقین) بریز

و با وزنه (حکمت) آنها را بکوب و به هم مخلوط کن . سپس آن را با آب (خوف) از خدای متعال خمیر نما و با جواهر (امید) رنگ بزن و در دیگ (عدالت) بجوشان . بعد از آن در جام (رضا و توکل) صاف کن و داروی (امانت و صداقت) به آن مخلوط نما و از شکر (دوستی و تولای محمد و آل محمد) و شیعیان ایشان به مقدار کافی بر آن بریز و چاشنی (تقوا و پرهیزگاری) بر آن اضافه نما و هر روز با ذکر خدا در پیاله (توبه) قدری بنوش تا شفا یابی و پیکر انسانی ات پیدا شود . تقاضا می شود به خواندن تنها اکتفا نشود بلکه جامه عمل به آن پوشانده شود تا حیات طیبه تحصیل نمایند .^۳

قرآن سرچشمه حیات انسان

دستور العمل انسان ساز و سرچشمه حیات طیبه انسانی قرآن کریم است : یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللسول إذا دعاکم لما یحییکم (انفال، ۸ / ۲۴) . روایات ائمه (ع) هم کلمات نوریه اهل بیت عصمت و طهارت در حقیقت ظل قرآن و مرتبه نازله آنند . میزان همه افکار و اقوال و معیار همه مکاشفات ، قرآن است که حق محض و صدق صرف است . قرآن معیار و میزان سخن است . باید حقایق و اسرار آیات در انسان پیاده شود که نفس آن حقایق و آیات شود و در حقیقت قرآن غایت سیر انسان گردد . قرآن آب حیات انسان است . این آب هم تشنه و طالب انسان است . همان طور که انسان تشنه او است ، بدان اندازه که ما شائق قرآنیم چندان برابر قرآن عاشق است .

دوستی قرآن و اهل بیت پیامبر ، حیات طیبه

برخی عارفان ودل داده گان می گویند :

اگر دوست قرآن و اهل بیت (ع) باشی ، وقتی نماز می خوانی جمال پیامبر (ص) را می بینی که بین آسمان و زمین است . وقتی به روزه ات ، توجه می کنی ، هرچه چشم می اندازی حضرت علی (ع) را مشاهده می کنی . وقتی قرآن می خوانی جمال زیبای قرآن را می بینی و در مقابل دوستداری قرآن و اهل بیت (ع) آنها نور خودشان ، حیات خودشان ، عزت خودشان را به تو می دهند .

آیت الله بهجت در ارتباط با بهره مندی از حیات طیبیه فرمودند:

خدا می داند قرآن برای اهل ایمان چه معجزه ها و کراماتی دارد و چه چیزهایی از آن خواهند دید. برنامه قرآن آخرین برنامه انسان سازی است که در اختیار ما گذاشته شده است ولی ما از آن قدردانی نمی کنیم. تمسک به قرآن و اهل بیت (ع) حیات است. و این قرآن است که می توان به وسیله آن کوهها را سپر نمود و زمین را شکاف و با مردگان سخن گفت و مردگان را به وسیله آن به اذن خدا زنده نمود.

چهره حضرت محمد (ص) در آینه وحی

کتاب آسمانی و حیاتی ما قرآن، نه کتاب تاریخ است نه قصه، اما سرشار از اشارت، تنبیهات تاریخی و قصص عبرت آمیز و حکمت آموز است. بعضی از اشارات و تلمیحات (تاریخی) قرآن ممکن است فرا تاریخی بنماید، مانند اشاره به خلقت انسان و آدم ابو البشر و طوفان نوح.

بعضی از اهل تحقیق اینها را اسطوره می نامند، ولی اسطوره و اساطیر که واژه ای قرآنی است، معنای منفی دارد. لکن با تاریخ یا قصص قرآن از نظر مسلمانان و اسلام شناسان و قرآن پژوهان متعهد نمی توان و نمی شاید که اطلاق اسطوره و اساطیر کرد. اما هرچه هست اشارت آشکار و پنهان قرآن به سوانح حیات رسول خدا همه تاریخی و حقیقی و واقعی است. و مهمترین و معتبرترین و نخستین منبع برای تاریخ عصر نزول وحی و صدر اول اسلام، قرآن کریم است.

گفتنی است که سبک قرآن این نیست که به نامها و رویدادها و... به تصریح اشاره کند، لذا باید شرح این ابهامات را در تفاسیر قرآن و نیز سیره های معتبر نبوی و در رأس همه سیره ابن هشام جست وجو کرد.

اشاراتی که در قرآن کریم درباره حضرت ختمی مرتبت وجود دارد به چند دسته قابل تقسیم است:

۱. اشارات مربوط به وحی و نزول قرآن و اولین وحی که سوره علق است، مانند سوره قدر.
۲. اشارات مربوط به زندگی حضرت رسول قبل از مبعوث شدن به پیامبری و آغاز وحی که سرپای سوره ضحی از این دست است: (سوگند به روز و سوگند به شب چون

بیارم. که پروردگارت با تو بدرود نکرده و بی مهر نشده است و بی شک جهان واپسین برای تو بهتر از نخستین است. و پروردگارت، به تو مقام شفاعت می بخشد و خوشنود می شوی. آیا یتیم نیافت که سر و سامانت داد و تو را سرگشته یافت و راهنمایی کرد و تو را تهیدست یافت و بی نیازت کرد. پس با یتیم تندی مکن و برخواهنده، بانگ مزین و اما درباره نعمت پروردگارت با سپاس سخن بگوی^۴.

۳. اشارات مربوط به خانواده رسول الله که مهمترین آنها یکی در سوره نور است که اشاره به حدیث یا داستان افک، و دیگری آیه حجاب که علی الخصوص ناظر به نساء النبی یاهمسران رسول الله است و سپس توسعاً و حکماً به همه زنان مسلمان مربوط می شود. نمونه دیگر، در ادب آموزی به صحابه رسول الله و به ویژه بعضی از معاصران و معاشران حضرت است که فی المثل با بانگ بلند و به اسم، حضرت (ص) را صدا می زدند یا سر زده به خانه های او وارد می شدند و به آنان ادب و آداب مجالست و معاشرت می آموزد. اوج این گونه سخنان، سوره حجرات و سوره تحریم است.

۴. اشارات مربوط به غزوات و رویدادهای تاریخی عصر نزول وحی، که نسبتاً فراوان تر از سه نوع پیشین است، از جمله اشاره به غزوه احد، در سوره آل عمران آیات ۱۲۱ تا ۱۳۹، ۱۵۹، ۱۶۹، و سوره نساء آیه ۱۰۴. یا اشارات مربوط به غزوه بدر (اولین و تعیین کننده ترین پیروزی مسلمانان بر کفار یا مشرکان قریش مکه) از جمله سوره آل عمران آیات ۱۲۴، ۱۶۹، سوره انفال، آیات ۵، ۴۷، ۶۷، و غزوه احزاب یا خندق با قلع و قمع یهودیان پیمان شکن و ستون پنجم و اصلاح ناپذیر بنی قریظه و بنی نضیر که عمده ترین اشاره به آنان در سوره حشر آمده است.

۵. اما دلنشین ترین اشارات قرآنی که در دفاع از پیامبر (فی المثل در جایی که او را به طعنه اذن (زودباور) می نامیدند، که خداوند می فرماید: این صفا و سادگی حضرت به نفع مسلمانان است، سوره توبه آیه ۶۱ است. و از آن مهمتر در ستایش از اخلاق انسانی و در عین حال فوق طاقت بشری او. چنانکه در جایی می فرماید: **وإنک لعلی خلق عظیم** (قلم، ۴/۶۸) و تو دارای اخلاق بسیار بزرگوارانه هستی. یا آنجا که می فرماید: شخصیت و رفتار حضرت رسول الله برای مسلمانان اسوه والگو یا سرمشق است و باید به آن تأسی کرد. به راستی که برای شما و برای کسی که به خداوند و روز بازپسین امید و ایمان دارد و

خداوند را بسیار یاد می کند، در پیامبر خدا سرمشق نیکویی هست. (احزاب / ۲۱)

یا در مورد رابطه قهر آمیزش با اصحاب و مسلمانان انقلابی و پاکباز می فرماید:

محمد پیامبر الهی است و کسانی که با او هستند، بر کافران سختگیر و با خودشان مهربانند. آنان راکع و ساجدینی هستند که در طلب بخشش و خشنودی خداوندند. نشانه آنان در چهره هایشان از اثر سجود آشکار است و این است توصیف آنان در تورات، و در انجیل. همانند نهالی که جوانه اش را برآورد و آن را نیرومند سازد و ستبر گردد و بر ساقه هایش بایستد و کشاورزان را شاد و شگفت زده سازد. تا از دیدن ایشان کافران را به خشم آورد. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است. (آیه آخر سوره فتح)

به مهربانی و نرمخویی حضرت رسول بارها اشاره شده است مانند: به لطف و رحمت الهی با آنان نرمخویی کردی. و اگر درشتخوی و سخت دل بودی بی شک از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از ایشان در گذر و برایشان آمرزش بخواه. و در این کار با آنان مشورت کن و چون عزم را جزم کردی بر خداوند توکل کن، که خداوند اهل توکل را دوست دارد. (آل عمران/ ۱۵۹)

در قرآن کریم از حضرت رسول و نبوت او به «رحمة للعالمین» یاد شده است. باز در قرآن تصریح به لزوم پیروی از سنت حضرت محمد (ص) شده است: ای مؤمنان از خداوند و پیامبر و اولوالامرتان اطاعت کنید. و اگر به خداوند و روز بازپسین ایمان دارید، هرگاه در امری (دینی) اختلاف نظر یافتید آن را به کتاب خدا و سنت پیامبر عرضه بدارید، که این بهتر و نیک انجام تر است. (نساء / ۵۹)

همچنین: و چون به ایشان خیری که مایه آرامش یا نگرانی است برسد، آن را فاش می سازند. حال آنکه اگر آن را به پیامبر و اولوالامر عرضه می داشتند، آنگاه اهل استنباط ایشان به مصلحت آن پی می بردند. (نساء / ۸۳)

به این حقیقت نیز اشاره شده است که حضرت شاهد امت اسلام است: و روزی که از هر امتی شاهی از خودشان بر آنان برانگیزیم و تو را برایشان شاهد آوریم (تا چه خواهند کرد) و کتاب قرآن را بر تو نازل کردیم که روشنگر همه چیز است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت است. (نحل / ۸۹)

مکتب‌رهایی بخش اسلام با مجاهدت و ایستادگی پیامبر اعظم (ص) و ایثار و فداکاری مسلمانان پاک دل از میان زنجیره‌های به هم پیوسته توطئه‌ها و دشمنی‌ها و با تمسک به قرآن سربلند عبور کرد و میلیون‌ها دل عاشق را به سوی خود کشید و با خود همراه کرد و دیر نیست زمانی که عالم گیر شود. روزی که نبی مکرم اسلام وعده جهانی شدن آیین توحیدی اسلام را دادند، عده‌ای که خود و آئین‌شان را با ظهور اسلام در آستانه نابودی می‌دیدند، به این سخن پیامبر (ص) نیشخند زدند که محمد می‌خواهد با چند نفر برده گرسنه و پا برهنه جهان را فتح نماید و...

آن چیزی که امروز برای ما، به ویژه نسل جوان ایرانی، مهم است عمل به آموخته‌هایمان در مکتب محمدی (ص) است. برای دفاع از هویت دینی و ملی و حفظ داشته‌هایمان باید به سلاح علم و آگاهی مجهز شویم و عالمانه و آگاهانه عمل کنیم تا دشمن از جهل و عقب ماندگی‌های علمی و صنعتی به عنوان ابزاری برای استثمار و تسلط دوباره بر کشور عزیزمان استفاده نکند.

درس دیگری که باید مرور کنیم و به آن عمل کنیم، درس اخلاق و کرامت و رحمت است. درسی که پیامبر ما، به کمال رساندن آن را هدف اصلی بعثت خود می‌داند: (إنما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق).

داشتن اخلاق نیکو و عمل به آن، محبت و دوستی را در جامعه رشد می‌دهد و دل‌ها را باهم مهربان و نزدیک می‌کند. و دل‌های پاک و با صفا جایی است برای پرورش دوستی‌ها و وسیله‌ای برای دست‌یابی به جامعه‌ای که دشمن و دشمنی‌ها در آن جایگاهی ندارند. عزت و جهاد و مقاومت درس دیگری است که باید به آن توجه شود، زیرا با عمل به آن می‌توانیم راه سعادت و پرافتخاری را که در طول تاریخ، به ویژه دوران پرفروغ انقلاب اسلامی پیموده‌ایم، ادامه بدهیم. مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان، دستور صریح خداوند به پیامبر است: فاستقم كما أمرت و من تاب معك (هود، ۱۱/۱۱۲)

رسول خدا، آخرین پیامبر عظیم‌الشان الهی، دینی متین و استوار بنیان نهاد که اساس آن توحید و پرسش خدای یگانه و بی‌نیاز است. خدایی که بر عالمیان منت نهاد و پیامبرانی برای هدایت و ارشاد آنان فرستاد تا جایگاه خلیفه الله خود را در روی زمین بشناسند. پیامبر مقدس اسلام که خاتم پیامبران است، تلاش گسترده‌ای برای زدودن زنگارهای

شرک و کفر و خرافه پرستی انجام داد و کوشید آداب زندگی قرآنی و معارف اسلام را جایگزین کند، و باعث شد انقلابی عظیم در دل‌های مردمان ایجاد نماید.

مرحله اول: بعثت؛ تحولی عمیق در گستره زمین

بعثت انبیای بزرگ، انبیای اولوالعزم و بسیاری از حوادث بسیار بزرگ، در جهان اتفاق افتاده است، لکن حادثه ای بزرگتر از بعثت رسول الله نشده است، زیرا بزرگتر از رسول الله در عالم وجود نیست غیر از ذات مقدس حق تعالی؛ و حادثه ای بزرگتر از بعثت نیست. آن چه که ما در بعثت باید توجه به آن بکنیم این است که با بعثت رسول خدا، بعثت برای این است که راه رفع ظلم را به مردم بفهماند، راه اینکه مردم بتواند با قدرتهای بزرگ مقابله کنند. بعثت برای این است که اخلاق مردم را، نفوس مردم، ارواح مردم را و اجسام مردم را، تمام اینها را از ظلمتها نجات بدهد. ظلمات را به کلی کنار بزند و به جای او نور بیاورد. ظلمت ظلم را به کنار بزند و به جای آن عدالت بگذارد. نور عدالت را به جای او بگذارد و راه او را به ما بفهماند.

قضیه بعثت، مساله ای نیست که ما بتوانیم در اطراف او صحبتی بکنیم. ما همین قدر می دانیم که با بعثت پیامبر انقلاباتی حاصل شد و چیزهایی در دنیا حاصل شد به تدریج که قبل از او نبوده است. آن معارفی که به برکت بعثت رسول الله در عالم پخش شد، کسانی که مطلع اند که این معارف چی است و تا آن اندازه ای که ماها می توانیم ادراک بکنیم، می بینیم که از حد بشریت خارج است و اعجازی است فوق ادراک بشریت. از یک انسانی که در جاهلیت متولد شده است، در جاهلیت بزرگ شده است و یک آدمی بوده که در یک محیطی پرورش یافته است که اسمی از این مسائل در آن وقت اصلاً نبوده. تا اینکه پیامبر یک سفر چند روزه ای داشته و برگشته. آن وقت وقتی بعثت حاصل شد انسان می بیند که یک مطالبی پیش آورده است که از حد بشریت خارج است. این اعجازی است که برای اهل نظر دلیل نبوت پیامبر است. پیامبر وقتی که به رسالت مبعوث شد شروع به تبلیغ کرد. یک طفل هشت ساله (حضرت امیر) و یک زن چهل ساله (حضرت خدیجه) به او ایمان آوردند. جز این دو نفر کسی را نداشت و همه می دانند که چقدر آن حضرت را اذیت کردند و کار شکنیها و مخالفتها نمودند، لیکن مأیوس نشد و نفرمود کسی ندارم. ایستادگی کرد

و با قدرت روحی و عزمی قوی از هیچ، رسالت را به اینجا رسانید.
پیامبر، تنها قیام فرمود و در یک محیطی که همه با او مخالف بودند قیام فرمود و زحمتهای زیاد، مذمتهای زیاد، رنجهای فراوان برد تا اینکه اسلام را به مردم ابلاغ فرمود. مردم را به هدایت و توحید دعوت کرد. آنقدر مشقت را تحمل فرمود که گمان ندارم کسی طاقت آن را داشته باشد.

تشریح فوائد چهارگانه بعثت پیامبر

خداوند متعال پس از آنکه فرمود خدا بر مؤمنان منت نهاده برای آنان پیامبری مبعوث کرده که از خود آنهاست، به کارهای او و اقداماتی که انجام می دهد اشاره کرده می فرماید:
۱. تلاوت آیات: یتلوا علیهم آیاته (آل عمران، ۳ / ۱۶۴) که خود آن حضرت طبق بعضی آیات دیگر فرمود: من مأمور به تلاوت قرآن کریم هستم. ذات اقدس الله نیز به او دستور داد: و رتل القرآن ترتیلاً (مزل، ۷۳ / ۴) آنگاه به همراهان او دستور داد: فأقروا ما تیسر من القرآن (مزل / ۲۰) فرمود: تا می توانید قرآن بخوانید. پشت سرهم خواندن این آیات و سوره خود نوری است که بر قلب عرضه می شود هر چند انسان معنایش را نداند. اینطور نیست که قرآن کریم نظیر کتابهای دیگر باشد، زیرا الفاظ و کلمات قرآن کریم کلمات الله و معجزه است، ولو انسان معنای آن را نداند. نور است و اثر دارد.

۲. تزکیه: از آنجا که هدف اصلی تلاوت و تعلیم و مانند آن، تزکیه است، لذا آن را به دنبال تلاوت ذکر می کند و می فرماید: یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم؛ (جمعه، ۲ / ۶۲) تزکیه از آن جهت که هدف است مقدم بر تعلیم می باشد گرچه تعلیم مقدمه تزکیه است. لذا در مواردی از آیات، تزکیه قبل از تعلیم ذکر شده است و مهمتر از تعلیم می باشد. پیامبر با بعثتش مردم را هم از رذائل اخلاقی و هم از رذائل اعتقادی تطهیر می کند. هم آنها که به وثنیت و ثنویت و مانند آن مبتلایند و مشکلات اعتقادی دارند، و هم آنها که مبتلا به خرافات هستند هر دو را از رذائل پاک می کند. زیرا وقتی تعلیم آمد دیگر جا برای خرافه نیست و هرگونه خرافه ای رخت بر می بندد و آنگاه که تزکیه آمد هر آلودگی تطهیر خواهد شد.

۳ و ۴. تعلیم و حکمت: و یعلمهم الكتاب والحکمه (جمعه، ۲ / ۶۲)؛ اولین مفسر و معلم قرآن، وجود مبارک رسول خدا بود که قرآن کریم را برای مردم تفسیر و تبیین کرد و به آنها ظاهر

و باطن و تفسیر و تأویل قرآن را آموخت. منظور از حکمت یا ذکر خاص بعد از اتمام است، یعنی معارف بلند قرآن کریم، یا منظور سنت است که بدون تعلیم پیامبر حل نمی شود. استنباط بسیاری از احکام و حکم قرآن کریم بدون راهنمایی رسول خدا دشوار است. احکام الهی به طور مطلق یا جامع یا اجمالی و کلی در قرآن کریم آمده است. شرح بسیاری از عبادات، بیان شرایط و موانع عبادات، حکمت است که در قرآن کریم نیست و از راه وحی به پیامبر آموخته شده و پیامبر آن را به مردم یاد می دهد. آنچه را که وجود مبارک پیامبر بیان می کند، همان است که به صورت سنت معصومین و عترت طاهره جلوه کرده است.

مرحله دوم: اصلاحات فرهنگی و تبلیغی رسول الله در مکه

خوی خوش و مهربان و آراسته پیامبر بر خلاف اخلاق تند و خشن اشراف، در روح و روان اعراب تشنه محبت و اخلاق، تأثیر گذار بود، و هدایت ها و جنبه های اخلاقی و معنوی آن حضرت در برابر خشونت و شکنجه ها و ناسزاهای اشراف در جذب مردم به اسلام تأثیر به سزایی داشت.^۵

قرآن شخصیت گرانقدر رسول الله را اسوه قرار داده است: **لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیراً** (احزاب، ۳۳ / ۲۱)؛ برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند. و خدا را بسیار یاد می کنند.

بهترین الگو در تمام مراحل زندگی، شخص پیامبر است. روحیات عالی استقامت و شکیبایی او، هوشیاری و درایت و اخلاص و توجه به خدا و تسلط بر حوادث، و زانو نزدن در برابر سختی ها و مشکلات، هر کدام می تواند الگو و سرمشقی برای همه مسلمانان باشد.

قرآن در آیه فوق، این اسوه حسنه را مخصوص کسانی می داند که دارای سه ویژگی هستند: الف) امید به الله دارند؛

ب) امید به روز قیامت دارند؛

ج) خدا را بسیار یاد کنند.

در حقیقت ایمان به مبدء و معاد انگیزه این حرکت است و ذکر خداوند تداوم بخش آن، زیرا بدون شک، کسی که از چنین ایمانی، قلبش سرشار نباشد، قادر به قدم گذاشتن

در جای قدمهای پیامبر نیست. در ادامه این راه نیز اگر پیوسته ذکر خدا نکند و شیاطین را از خود نراند، قادر به ادامه تاسی و اقتدا نخواهد بود.

پس ضروری است انسانها به ویژه مسلمانان، به مکتب اسلام رجوع کنند و شخصیت مقدس پیامبر را که تجلی رحمت الهی است، به عنوان آسوه برگزینند و به این ناخدای کشتی و چراغ هدایت که مایه آرامش و راحت روح و جان سرنشینان است، اقتدا کنند.

اقدامات تبلیغی رسول الله در مکه

- آنچه از مجموعه سخنان امام خمینی (ع) در این باره بدست می آید عبارت است از:
۱. برنامه رسول الله قبل از مهاجرت به مدینه، روزهایی که در مکه به سر می بردند فقط تبلیغ الی الله و معرفی ذات مقدس حق تعالی و معرفی اسلام بود. یاورانی نداشتند تا بتوانند با کمک آنان با مشرکین بجنگند و اسلام را گسترش دهند و همان طور که در قرآن ملاحظه می فرمایید سوره هایی که در مکه نازل شده، فقط جنبه پند و موعظه و معرفی اسلام را دارد و از جنگ و جدال صحبتی نیست و متن احکام در آن ها کمتر ذکر شده است.
 ۲. پیامبر ۲۳ سال با ظلم جنگیده، زمانی با موعظه یا خطابه و در مکه، یک وقت با شمشیر در مدینه.
 ۳. پیامبر می خواست در تمام دنیا وحدت کلمه و توحید ایجاد کند.
 ۴. پیامبر (ص) مقصدشان این نبود که مشرکین مکه را از بین ببرند و یا مشرکین جزیره العرب را از بین ببرند. بلکه مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند و حکومت، حکومت قرآنی باشد. حکومت اسلام باشد. آنها چون مانع بودند از اینکه این حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند منتهی به چنگ و معارضه می شد.
 ۶. پیامبر هم از اول که مبعوث شد تا آخر، وقتی از دنیا رحلت کردند، در صدد این بود که آدم درست کند.
 ۷. اصل آمدن پیامبر برای آموزش و پرورش بوده است. آیات را تلاوت کند. نفوس را تطهیر کند. بعد از تطهیر (یعلمهم الكتاب والحکمه) پرورش قبل از آموزش است. اگر هم قبل نباشد، همراه باید باشد و رتبه او مقدم است.
 ۸. در صدر اسلام این مسائل نبوده است که هر کسی بخواهد خودش را پیش ببرد،

هر کسی می‌خواسته مکتبش را پیش ببرد. از این جهت پیش هم بردند. در عین حال که ضعیف بودند، قوای بزرگ را از بین بردند.

۹. این صراط مستقیمی را که انبیا جلو راه بشر گذاشتند و نبی اکرم آخرین انبیا و اشرف همه، آن راه را جلوی مردم گذاشتند و مردم را دعوت به این صراط مستقیم کردند و هدایت کردند به راه انسانیت و خروج از همه انحای کفر و الحاد و خروج از همه ظلمات به نور مطلق، باید شما جوانها همان راه را ادامه دهید.

۱۰. اول آیه ای که به پیامبر به حسب روایات و تواریخ وارد شده است آیه **إقرا باسم ربک** (علق، ۱/۹۶) است و این آیه اولین آیه ای است که به حسب نقل، جبرئیل بر رسول اکرم خوانده است، و از اول به قرائت و به تعلّم دعوت شده است.

۱۱. شما می‌دانید که هرچه پیامبر (ص) رنج کشید، که از همه هم بیشتر رنج کشید، برای تربیت مردم و برای نجات مظلومین از دست ظالمها بود.

۱۲. تاریخ اسلام واضح است و همه شما می‌دانید و کسانی که اهل مطالعه هستند می‌دانند که پیغمبر اسلام هم از همین توده بود. از همین توده ای که وقتی ظهور پیدا کرد و دعوت کرد. همین قومش با او مخالفت کردند و آن وقت گردن کلفتها همینها بودند. سرمایه دارها همینها بودند و ایشان نمی‌توانست در آنجا اظهاری بکند.

۱۳. رسول الله اول مأمور شد، خودش تنها مأمور شد: **قم فأنذر** (مدر، ۲/۷۴)؛ نهضت کن و مردم را دعوت کن. دعوت ابتدا از خود حضرت شروع شد و آن روز که اعلام نبوت فرمود یک زن و یک بچه به او ایمان آورد. لکن استقامت که لازمه رهبری انبیای گرامی است به طور کامل در رسول الله بود: **(فاستقم ما امرت)** نهضت کن و استقامت کن، این دو خاصیت در پیشبرد مقاصد بزرگ پیامبر دخالت داشت: قیام و استقامت. این استقامت موجب شد که با اینکه هیچ در دست نداشت و تمام قوای قدرتمندان بر خلاف او بود، به طوری که در مکه نمی‌توانست به طور علنی دعوت کند لکن مایوس نمی‌شد از اینکه نمی‌تواند علناً مردم را دعوت کند. مایوس نبود، که مردم را دعوت زیر زمینی کند. یکی یکی را به خود جذب کرد تا وقتی که تشریف به مدینه بردند، و مأمور شدند که مردم را دعوت به قیام کنند: **قل إنما أعظکم بواحدة أن تقوموا لله** (سبا، ۴۶/۳۴)؛ در اینجا دعوت به قیام است، دعوت به قیام جمع است و مهم قیام لله است برای خدا، روز پیروزی لشکر

اسلام در صدر اسلام با اینکه هیچ ابزار چنگی می شود بگویی نداشتند، قیام لله بود. نهضت برای خدا، ایمان به خدا پیروز کرد پیامبر اکرم را، مأیوس نشدن، استقامت کردن در راه خدا، پیروزی را نصیب پیغمبر کرد.

۱۴. در باب اخلاق رسول الله وارد است که یاری نخواست برای خود در هیچ مظلومه، تا آنکه هتک محارم الهیه می شد، پس برای خدای تعالی غضب می نمود.

۱۵. شیوه ائمه ما و اولیای خدا و انبیای خدا بوده است که خودشان را خدمتگزار مردم می دیدند و با حسن معاشرت و با رفتار انسانی، با رفتار الهی رفتار می کردند و کارهایی را که باید انجام بدهند با همین حسن رفتار انجام می دادند.

۱۶. در صدر اسلام چه رنجهایی کشیدند این عده کمی در مقابل عده های زیاد، چه رنجهایی کشیدند، خود پیامبر چقدر رنج کشید. بعدش هم دیگران رنج کشیدند تا اسلام را حفظش کردند.

۱۷. اولیای خدا در همه مراحل، در همه مصیبتها، در همه مشکلات صبر می کردند. آن قدر مشکل که برای رسول الله پیش آمد در زمان تشریف فرمایی شان در مکه و بعد در مدینه، آن قدر که برای ایشان از همه طرف مشکلات بود. محاصره اقتصادی بود و حمله نظامی، برای ما آن طور پیش نیامده است. آن چند سالی که رسول خدا به واسطه فشارهایی که بر او وارد شد در مکه مجبور شد که در یک کوهی و در یک غاری پناه بگیرد و مشرکین و منافقین و سایر قشرهای فاسد او را در حصر اقتصادی گذاشتند که حتی برای ارزاق یومیه شان معطل بودند و با زحمت تهیه می کردند و بعد هم که از مکه هجرت فرمودند و به مدینه تشریف آوردند آن طور هجومهای نظامی بر آنها شد و آن طور هجومه های مشرکین و قدرتهای آن زمان بر حضرت رسول و یاورانشان شد.

۱۸. پیامبر در زمان خودش غریب تر و مظلوم تر بود. نزدیکانشان هم از او اطاعت نمی کردند. و چه تهمتها و ناسزها که به ایشان نمی زدند. ولی پیامبر از تبلیغ دین اسلام دست بر نمی داشت.

۱۹. اسلام شخص اول مملکتش با یکی از رعایا فرق نداشت بلکه پایین تر از او بود، در استفاده از مادیات. آزادی آرا در اسلام از اول بوده است. در زمان ائمه در زمان خود پیامبر آزاد بودن که حرفهایشان را می زدند.

۲۰. حکومتی که در رأس جامعه بوده است با مردم دیگر فرق نداشته است بلکه زندگی‌اش پایین تر بوده است. حکومتها نمی‌خواستند که به مردم حکومت کنند، می‌خواستند خدمت کنند.

اقدامات فرهنگی پیامبر

تلاشهای فرهنگی پیامبر در دوران بعثت در مکه بدین ترتیب بوده است:
الف) عضو یابی انفرادی برای انسان سازی و تربیت اخلاقی که نتیجه آن استحکام بنیادهای نهضت اسلامی بود.

ب) تخریب فرهنگ بت پرستی و اخلاق جاهلی.

ج) تصحیح آداب و رسوم و سنن جاهلی.

د) تهذیب جانها و روان های مسلمانان با عبادت و تلاوت قرآن.

ه) کادر سازی و تکوین فکری مسلمانان نخستین.

علل پیروزی پیامبر در مبارزه فرهنگی

الف) پیامبر هیچ گاه به نفرین و درخواست عذاب، برای مشرکان و زور و زور و تزویر متوسل نشد و همچون دیگر پیامبران، پیش از رسیدن به قدرت سیاسی مبارزه او فرهنگی و سیاسی بود.

ب) اخلاق و شخصیت معنوی و ظاهری رسول الله.

ج) صبر و استقامت در برابر مشکلات مانند: استهزا، تطمیع، تهمت ساحری و نسبت شاعری و سختی های شکنجه ها و محاصره و زخم برداشتن در سفر طائف.

قرآن در این باره می‌فرماید: **واصبر و ما صبرک إلا بالله و لا تحزن علیهم و لا تک فی ضیق مما یمکرون** (نحل، ۱۶ / ۱۲۷)؛ صبر کن و صبر تو برای رضای خداست و اندوهگین مشو بر ایشان و از مکر و حيله آنان دلتنگ مباش.

ای محمد صبر کن و آزار و اذیت ها را تحمل کن و مطمئن باش که خداوند تو را بر صبوری و بردباری توفیق می‌دهد و کارها را برای تو آسان می‌کند. و یا در جای دیگر قرآن می‌فرماید: **واصبر علی ما یقولون واهجرهم هجرًا جمیلًا** (مزل، ۷۳ / ۱۰)؛ شکیبای باش بر آنچه می‌گویند و از آنان به سختی دوری کن.

خدا را وکیل بگیر که لازمه وکیل گرفتن او این است که برآنچه می گویند و با آن تو را اذیت و استهزا می کنند و تهمت به کفالت شاعری و جنون می زنند و قرآنت را اساطیر الاولین می خوانند، صبر کنی. و نیز لازمه آن این است که با آنها به خوبی قهر کنی و مراد از (هجرا جمیلا؛ قهر کردن به خوبی) است. با آن ها به حسن خلق معامله نموده و به خیر خواهی به سوی حق دعوتشان کن و گفته های آنان را با گفته هایی که می توانی بگویی، مقابله به مثل ننما.^۷

د) چهارمین عامل موفقیت رسول الله قرآن بود. دشمنان آن حضرت در برابر این سلاح بران، دستور تحریم شنیدن قرآن را صادر کردند: و قال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فیہ لعلکم تغلبون (فصلت، ۴۱ / ۲۶)؛ گفتند آنانکه کافر شدند، گوش به قرآن فرانهید، آن را یاهو گویند، شاید بر آن چیره شوید.

چون کفار معارضا نمودن با آیات قرآنی ولی آن را از عهده خود خارج دیدند و ترسیدند که اعراب از اطراف بیایند و ایمان بیاورند، پس از مشورت باهم، بنا را بر این گذاشتند که وقتی حضرت مشغول قرائت قرآن می شود، کاری کنند که به اشتباه بیفتد. این بود که هر وقت حضرت مشغول خواندن قرآن می شد باهم گرد می آمدند و مشغول به غنا و آوازه خوانی می شدند و سخنان بیهوده می گفتند و دست بر دست می کوفتند که به این وسیله مردم آیات قرآن را نشنوند.

مشرکان تصور می کردند به این وسیله بر پیامبر (ص) غالب گردیده و اجازه نمی دهند کار خود را انجام دهد. آری دشمنان دین گمان کردند که با این دسیسه ها می توانند نور خدا را خاموش گردانند اما چنین نشد و عظمت قرآن هر روز بیشتر و تعداد ایمان آورندگان به اسلام فزونی گرفت.

اقدامات تبلیغی و فرهنگی پیامبر اسلام در مدینه

پس از ورود رسول الله و مسلمانان به مدینه و استقرار ایشان در این شهر بنیان حاکمیت اسلامی تدریجاً بنا گزارده شد.

پر واضح است که تلاشها و اقدامات و اصلاحات تبلیغی حضرت در تحکیم پایه های نونهال حکومت اسلامی بسیار مؤثر بود که برخی از این اقدامات به شرح زیر است:

۱. بنای مسجد:

هنگامی که پیامبر به یثرب آمدند، به میمت ورود ایشان آن را مدینه النبی خواندند. ایشان در صدد بر آمدند قبل از انجام هر کاری، یک مرکز عبادی تحت عنوان مسجد ایجاد نمایند تا گذشته از اینکه در خدمت عبودیت و بندگی خدا قرار می گیرد، به عنوان محل تعلیم و تربیت از یک سو و همچنین کانون سیاسی، نظامی و اقتصادی از دیگر سو درآید. ساختن مسجد باعث ایجاد وحدت و یکپارچگی و انسجام بیشتر در میان جامعه اسلامی گردید، به طوری که مسلمین برای اقامه نمازهای پنجگانه در مسجد حضور پیدا می کردند، و باعث اخوت و برابری و نزدیک شدن قلوب آنها به یکدیگر می شد و می توانستند ضمن به جا آوردن فریضة مقدس نماز، معارف و احکام اسلامی را از زبان پیامبر عظیم الشان اسلام^(ص) بشنوند و عمل نمایند.

به طور کلی، مساجد تا آغاز قرن چهارم هجری، محافلی برای تعلیم و تربیت، خواندن و نوشتن بود و در غیر اوقات نماز، حکم یک مکان آموزشی و علمی را ایفا می کرد، به طوری که بسیاری از علما و دانشمندان، فارغ التحصیلان حلقه های تدریس مساجد بودند.^۸

شایان ذکر است که یکی از اهداف نبی اکرم اسلام درباره مسجد این بود که به مردم تفهیم نماید که علم و ایمان با یکدیگر توأم است یعنی هر کجا مسجدی بنا شد، آنجا کانون تعلیم و تربیت و علم و دانش نیز می باشد.

اقامه نماز؛ استماع سخنان پیامبر در باب آیاتی که وحی می شد؛ تبلیغ دین و احکام شرع؛ اعلان و اعلام جنگ و جهاد و عقد صلح؛ تقسیم غنائم جنگی؛ ارسال نامه ها و قرائت قرآن، همه از فعالیت های صورت گرفته در مسجد بود.

کهن ترین دانشگاه اسلامی، مسجد النبی بوده است که با هجرت پیامبر^(ص) از مکه به مدینه تأسیس شد. بهترین شیوه های تبلیغ در امر سواد آموزی را پیامبر در آغاز هجرت به مسلمانان آموزش داد. آن حضرت فرمان داد که اسیران با سواد جنگ بدر، به شرطی آزاد می شوند که هر یک ده تن از انصار را خواندن و نوشتن بیاموزند.

۲. عقد اخوت یا پیوند برادری:

یکی دیگر از اقدامات نخست رسول خدا در مدینه، برقرار ساختن پیمان برادری میان

مسلمانان بود. این عقد برادری را (مواخاة) نامیده اند و بیشتر سیره نویسان پس از بنای مسجد از آن یاد کرده اند.

محمد بن اسحاق گوید: چون پیامبر به مدینه آمد، خواص اصحاب خود را از مهاجر و انصار، پیوند برادری داد و به ایشان گفت: برادری گیرید هر یکی با دیگری. پس دست خود را در دست حضرت علی^(ع) نهاد و گفت (این برادر من است).^۹

نتایج عقد اخوت

الف) مهاجرینی که هر کدام از سویی به مدینه آمده و احساس غربت و تنهایی داشتند، به سبب عقد اخوت می توانستند کسی را که از نظر روحی با ایشان هماهنگی دارد، به عنوان هم صحبت و هم راز خود داشته باشند.

ب) پیامبر با این عمل سعی داشتند تا انگیزه های قبیله ای و عشیره ای را حذف کرده و بدانها بفهمانند که رابطه ایمان و اعتقاد به خدا می تواند دو نفر را همراه و هم راز کند. اضافه براینکه این رابطه می توانست بعضی از اختلافات قومی و قبیله ای را از بین ببرد.

ج) ایجاد الفت همگانی و وحدت در جامعه، یکی دیگر از اهداف این امر می توانست باشد. با این کار نظام برادری براساس اعتقاد و ایمان به الله تشکیل می یافت.

۳. توجه به علم و دانش و تعلیم و تربیت:

رسول الله تعلیمات خود را براساس اوضاع اجتماعی و با روشهای خاصی انجام می داد. تعلیم قرآن شکلهای مختلفی داشت، گاهی جلسه دو نفره و زمانی جلسات گسترده تری تشکیل می یافت. محل تعلیم گاهی به صورت آشکار و گاهی بسیار مخفی بود. هدف و محتوای تربیتی پیامبر این بود که برای پیروانش خوبی های آخرت و دنیا را باز گوید. بیشتر عمر پیامبر به امر پی ریزی و زمینه سازی گذشت و سبب شد که بعدها زمینه پیدایش فرهنگی با عظمت در جامعه بشری به وجود آید.

برای اولین بار مسجد مدینه تأسیس شد و مرکز آموزش قرار گرفت. پیامبر معارفی ارائه کرد که در اندک زمانی توانست از ملتی عقب مانده جامعه ای زنده بسازد و دوم این که مسئولیت های انسانی را در برابر خدا و خالق معین کند.

تعلیمات او گاهی به صورت احکام حقوقی و گاهی به صورت مباحث اخلاقی مطرح می شد. منبع و محتوای تعلیم و تربیت او قرآن بود. رفتار و عقل کامل وی نیز روش

مناسب برای اشاعه دین بود. ۱۰

تأکید پیامبر اسلام که دانش آموختن بر هر زن و مرد مسلمان واجب است، یا ساعتی اندیشیدن از عبادت یک ساله نیکوتر است، نمونه هایی از تأکید بر دانش اندوزی در اسلام است.

۴. اعزام معلمان و مبلغان قرآن به اطراف جزیره العرب:

پیامبر برای تعلیم آیات و احکام دین مبین اسلام در مسجد النبی مسلمانان را آموزش می دادند، به گونه ای که کمتر از سه سال آن چنان قاریان قرآن و معلم تربیت کرد که تنها در دو حادثه رجیع و بئر معونه چهل و چهار نفر از آنان به شهادت رسیدند. مبلغان ورزیده که حافظ قرآن و احکام و سخنان پیامبر بودند، حاضر بودند به قیمت جان خود، عقاید اسلامی را با روشن ترین بیان و واضح ترین اسلوب به گوش مردم دور دست برسانند. ولی برخی از قبایل وحشی و پست، با گروه تبلیغی که نیروهای معنوی اسلام بودند، و هدفی جز ترویج خداپرستی و ریشه کن ساختن کفر و بت پرستی نداشتند، از راه حيله و تزویر وارد شده آنان را به وضع رقت باری به شهادت می رسانیدند، به طوری که در منطقه ای به نام (رجیع) شش نفر از مبلغان اسلام را به شهادت رساندند. و در حادثه و فاجعه بئر معونه سی و هشت تن از جمع چهل نفری مسلمانان را به شهادت رساندند.

۵. مکاتبه با سران کشورها و برخی حکام عرب:

پس از صلح حدیبیه، پیامبر فرصتی پیدا کردند تا حکام و پادشاهان کشورهای بزرگ را به سوی اسلام دعوت کنند. تعداد نامه های پیامبر را مورخین به اختلاف نوشته اند. یعقوبی چهارده نامه، مسعودی هفت نامه و طبری شش نامه ذکر کردند. چون پیامبر هیچ گاه کتابت نکرد، نویسندگان پیمانها و نامه های آن حضرت را می نگاشتند. از جمله: علی بن ابیطالب، عثمان بن عفان، ابی بن کعب... بودند. پیامبر نامه های ارسالی را با انگشتری که نگین آن از نقره بود مهر می کردند.

پیمانها و نامه های پیامبر حکایت از دیپلماسی دقیق جهانی دارد و سخن برخی از نویسندگان که موضوع عمومیت رسالت را از ساخته های بعدی مسلمانان می دانند، به هیچ روی درست نمی باشد. زیرا قرآن در آیات بسیاری، جهانی بودن رسالت وی را تثبیت کرده است و از جمله در آیه ۱۵۸، سوره اعراف به پیامبر دستور می دهد: **قل یا ایها**

الناس إني رسول الله اليكم جميعا؛ ودر آیه ۲۸، سوره سبا نیز می خوانیم: وما ارسلناك إلا كافة للناس؛ تو را جز به سوی همه مردم نفرستادیم.

آیات ذکر شده گواه جهانی بودن دعوت پیامبر است. رسول الله خود نیز به خاتمیت رسالت و برانگیخته شدن بر همه انسانها تصریح دارد. هدایای حاکم مصر و نجاشی برای آن حضرت دلیل دیگری بر مکاتبه آن حضرت بوده است. پیامبر نیز از دوران جوانی با تجارت و به وسیله برخی یارانش همچون سلمان فارسی، صهیب رومی از جهان پیرامونش آگاهی کامل داشته است.^{۱۱}

۶. تخریب بتکده های اطراف مکه:

در اطراف مکه بتخانه های زیادی وجود داشت که مورد احترام قبایل اطراف بود. پیامبر برای ریشه کن ساختن بت پرستی در این سرزمین پس از فتح مکه، افرادی را به اطراف اعزام نموده تا بتخانه ها را ویران کنند و در خود مکه نیز اعلام شد که هر کس بتی در خانه دارد، فوراً بشکند. در واقع پیامبر برای تخریب پایه های فکری جاهلیت عرب و تحکیم بیشتر موقعیت اسلام برخی از یاران خود را برای این امر مهم اعزام کردند از آن جمله:

۱. حضرت علی^(ع) را برای تخریب بتکده مناه، میان مکه و مدینه؛

۲. عمرو بن عاص را برای تخریب بتخانه سواع بت قبیله هذیل؛

۳. خالد بن ولید را به همراه سی سوار برای تخریب بتکده غزی درنخله.

اعزام این گروهها برای تخریب بتکده ها از سوی رسول الله به این سبب بود که:

الف) مظاهر شرک و فرهنگ بت پرستی از میان برود.

ب) این بتخانه ها مأمن و پناهگاه مشرکان فراری نشود.

ج) سرمایه و ثروت این بتکده ها که از هدایای مشرکان جمع آوری شده بوده در اختیار اشراف قبایل مشرک نباشد، تا مبادا برای نبرد با اسلام به کار گرفته شود و این سرمایه در راه نیازهای دولت اسلامی استفاده شود.

د) ویرانی بتخانه ها نشانه پایان بت پرستی و گسترش و تحکیم اسلام بود.

۷. بخشش های رسول الله و نقش آن در پیشرفت و گسترش اسلام:

پیامبر تجلی بخشندگی بود، به گونه ای که شش هزار اسیر جنگ حنین را بخشید، و در جریان فتح مکه، روزی در حال طواف خانه کعبه (فضالة بن عمیر) تصمیم به قتل آن

حضرت گرفت، چون رسول الله او را مشاهده کرد، فرمود: تو فضاله هستی؟ گفت آری. فرمود: پیش خود چه فکری داشتی؟ پاسخ داد: هیچ چیز. پیامبر تبسمی کرد و به او فرمود: بگو: (استغفر الله) و از خدا آمرزش بخواه. سپس دست مبارکش را روی قلبش گذاشت، آرام گرفت. هنگامی که پیامبر دست خود را از روی سینه اش برداشت، او مسلمان شد. بعدها فضاله می گفت: به خدا سوگند هنوز دست مبارکش را برنداشته بود که احساس کردم او محبوب ترین خلق خدا در نزد من است. همچنین مالک بن عوف نصری، فرمانده مشرکین در پیکار حنین، که پیامبر فرموده بودند به او خبر دهید، اگر مسلمان شود و بیاید مال و اموالش را پس خواهیم داد و یک صد شتر هم به او خواهیم بخشید. وی نزد رسول الله آمد و مسلمان شد و در وصف پیامبر چنین سرود: میان مردم مثل محمد (ص) ندیده و نشنیده ام. اگر از او عطا و بخشش بخواهند از همه بخشنده تر و وفادارتر است. و از آن حضرت روایت شده:

سخاوتمند نزدیک به خدا، و نزدیک به مردم، و نزدیک به بهشت، و دور از آتش است و بخیل دور از خدا، دور از مردم، دور از بهشت و نزدیک به آتش است. رسول الله پس از ورود به مکه و فتح آن، برای آنکه خیال قریش را از هر گونه انتقامی که فکرش را می کردند آزاد کند. گفت:

ماذا تقولون و ماذا تظنون؛ چه می گوئید و چه گمان می برید؟ قریشیان که سخت تحت تأثیر آن حضرت قرار داشتند، با حالتی تضرع آمیز و پوزش طلبانه گفتند: ما جز خیر و خوبی در باره تو نمی گوئیم و جز نیکی در باره تو گمانی نمی بریم. تو برادری مهربان و کریم و خویشاوند بزرگوار ما هستی که اکنون همه گونه قدرت نیز داری. در این جا بود که پیامبر فرمان عفو عمومی آنان را صادر کرد و فرمود: من همان سخنی را به شما می گویم که برادرم یوسف گفت:

امروز ملامتی بر شما نیست، خدایتان بیامرزد که او مهربان ترین مهربانان است. سپس فرمود: فاذهبوا فانتم الطلقاء؛ بروید که همگی آزاد هستید.

این دستور عفو عمومی رسول الله و همین گذشت، باعث شد که بیشتر آنان مسلمان شدند و آیین مقدس اسلام را بپذیرند. بر خلاف این بخشندگی عظیم، وی در زندگی چنان بر خود سخت می گرفت که شبهای پیاپی گرسنه می خوابید و خانواده اش هم غذایی نداشتند

و عموماً آنان آنها جوین بود. هیچ گونه تجملی در زندگی نداشت و بسیار کم خرج بود.
حضرت علی (ع) درباره سیره آن حضرت می فرماید:

او با شکمی گرسنه از دنیا رفت و با سلامت جسم و جان وارد آخرت شده و کاخ های مجلل نساخت تا جهان را ترک گفت. در هنگام بیماری و در آستانه رحلت چند مرتبه گفت: چند دینار مانده است آنرا تقسیم کنید. سپس به علی (ع) دستور داد آن پول ها را که نزد یکی از زنان (عایشه) بود بگیرد و میان فقرا تقسیم کند.
اگر از جنس بشر بود، ولی از فرط محبت و نوع پروری، سختی های مردم بر او گران می آمد و بر نجات آنان حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان بود. قرآن در این باره چنین می فرماید:
لقد جاءكم رسول من أنفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم (توبه، ۹/۱۲۸)؛ رسولی از خودتان به سويتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است. در این آیه روی سخن را به مردم کرده و می گوید: پیامبری از خودتان به سوی شما آمد؛ لقد جاءكم رسول من أنفسكم. مخصوصاً اینکه به جای (منکم) در این آیه (من أنفسکم) آمده است. اشاره به شدت ارتباط پیامبر با مردم است. گویی پاره ای از جان مردم و از روح جامعه در شکل پیامبر ظاهر شده است. پس از ذکر این صفت (من أنفسکم)، به چهار قسمت دیگر از صفات ممتاز پیامبر که در تحریک عواطف مردم و جلب احساساتشان اثر عمیق دارد اشاره می کند.
نخست می گوید: هرگونه ناراحتی و زیان و ضرری به شما برسد برای او سخت ناراحت کننده است: عزیز علیه ما عنتم. دیگر اینکه: او سخت به هدایت شما علاقه مند است، و به آن عشق می ورزد: حریص علیکم. سپس به سومین و چهارمین صفت اشاره کرده، می گوید: او نسبت به مؤمنان رئوف و رحیم است؛ بالمؤمنین رؤوف رحيم.

برخی از خصوصیات اخلاقی و فرهنگی پیامبر اسلام (ص)

قرآن رسول الله را تجلی رحمت الهی بر جهانیان دانسته و شفقت، مهربانی و روی خوش او را از الطاف بی کران خدا دانسته است و خطاب به آن حضرت می گوید: اگر تند خو و سخت دل بودی مردم از اطراف تو پراکنده می شدند. پس از آنان در کارها مشورت نما. آن حضرت به یاران خود سفارش می کرد: محبوب ترین شما نزد من در روز قیامت

نیکو خلق ترین شماست . و به فرزندان عبدالمطلب سفارش کرد . سلام را آشکار سازید و با خویشان نیکو کنید و آنگاه که مردم خوابیده اند ، شب زنده داری کنید و خوراک بدهید و خوش سخن باشید تا به سلامت داخل بهشت شوید .

هنگامی که یکی از اصحاب و یارانش با او دیدار می کرد ، از او جدا نمی شد تا آن شخص جدا شده و خدا حافظی کند و اگر به کسی دست می داد دستش را رها نمی کرد تا آن شخص رها کند . و چون کسی در محضر او می نشست بر نمی خاست تا او برخیزد . هرگاه رسول الله مردی از برادرانش را سه روز دیدار نمی کرد ، سراغ او را می گرفت و احوالش را می پرسد . اگر به سفر رفته و غایب بود برای او دعا می کرد و اگر در محل حضور داشت به دیدارش می رفت و اگر بیمار بود عیادتش می کرد . مجلس پیامبر ، مجلس حلم و حیا و صبر و امانت بود . به ادب سخن می گفت و آواز بر نمی داشت . سخن بد در حق خاندانهای مردم نمی گفت ، بزرگ را به وقار حرمت می داشت و بر کوچک رحمت می کرد و بر کسی که حاجتمند بود ، ایثار می کرد و غریب را محافظت می نمود . و هر که سخن می گفت ، گوش فرا می داد ، و خاموش بود تا فارغ می شد و با ایشان موافقت می نمود . اگر ایشان از چیزی بخندیدند او نیز می خندیدند . و چون از چیزی تعجب نمودند او نیز تعجب می نمود . و اگر غریب در سخن جفا می کرد ، بر او صبر می نمود . و صحابه را می گفت : چون حاجتمندی را ببینند او را عطا دهند . و ثنا قبول نکرد الا از کسی که مکافات می کرد . و خاموشی پیامبر بر چهار چیز بود : حلم ، حذر ، تقدیر ، تفکیر .

اما تقدیر آن بود که به مردم یکسان نظر کند ، و سخن همه را بشنود ، و تفکیرش آن بود که اندیشه می کرد در آنچه باقی است و آنچه فانی است ، و حذرش آن بود که چیزی که نیک باشد آن را بکار بندد تا صحابه به او اقتدا کنند . و آنچه زشت باشد ترک کند تا یاران از آن باز بایستند ، و آنچه صلاح امت در آن بود سعی به عمل می کرد . و آنچه خیر دنیا و آخرت ایشان در آن بود قیام می نمود . و به کودکان سلام می کرد . در خانه در خدمت اهل خانه بود . با فقیران مجالست داشت و با مسکینان غذا می خورد .

نتایج و پیامدها

۱ . قرآن کریم برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری از

مقام شامخ احادیث به کشف تام محمدی (ص) تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند، برساند. و این ولید علم الاسما را از شر شیاطین و طاغوت‌ها رها سازد. از مقاصد و مطالب قرآن، دعوت به تهذیب نفوس و تطهیر بواطن از ارجاس طبیعت و تحصیل سعادت، و بالجمله کیفیت سیر و سلوک الی الله است. قرآن است که هدایت می‌کند ما را به مقاصد عالی‌ه ای که در باطن ذاتمان توجه به او هست و هدایت به سبب سلامت و اخراج از همه مراتب ظلمات، هدایت به عالم نور است.

۲. اخلاق حسنه و خلق و خوی آن حضرت در روح و روان اعراب تأثیر گذاشت و آنان را سمت دین مبین اسلام سوق داد. ما نیز با برخورد محبت آمیز می‌توانیم دیگران را با حقایق و معارف دین اسلام آشنا کنیم.

۳. قرآن شخصیت مقدس پیامبر اکرم (ص) را به عنوان اسوه معرفی می‌کند. پس برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی ایشان را الگوی خود قرار دهیم.

۴. اصلاحات فرهنگی پیامبر تدریجاً زمینه تخریب فرهنگ بت پرستی و اخلاق جاهلی را فراهم کرد.

۵. با اصلاحات تبلیغی و فرهنگی، آداب و رسوم و سنت‌های جاهلی اعراب، به نحو بسیار مطلوبی تصحیح شد.

۶. عامل موفقیت پیامبر در این کار خطیر فرهنگی، صبر و استقامت در برابر انواع مشکلات و سختی‌ها بود. پس برای موفقیت و پیروزی و رسیدن به قرب الی الله باید مشکلات، سختی‌ها و کمبودها را تحمل کنیم و در مقابل توطئه‌های دشمنان ایستادگی و از خود ضعف نشان ندهیم، چرا که نهایتاً پیروزی از آن جبهه حق خواهد بود.

۷. اگر مسلمانان با انگیزه الهی قدم در راه خیر بگذارد، یقیناً خداوند متعال آنان را کمک و کفایت می‌کند.

۸. آیات نورانی الهی که معجزه جاوید پیامبر است، در موفقیت ایشان در برابر دشمنان اسلام بسیار مؤثر قرار گرفت. پس سعی کنیم به رمز موفقیت، یعنی قرآن مراجعه کنیم و با آن مانوس شویم.

۹. مساجد علاوه بر یک مکان عبادی، مکان فرهنگی و تعلیم و تربیت نیز می‌باشد. پس با مراجعه هر چه بیشتر به مساجد، هم عبودیت و بندگی خدا را انجام دهیم و هم از

نظر فرهنگی و تربیتی غنی شویم .

- ۱۰ . عقد اخوت و پیوند برادری باعث از بین رفتن کینه های مهاجر و انصار شد .
- ماهم بکوشیم با یکدیگر برادر دینی باشیم و از اختلافات و کینه جویی ها و سایر رذائل اخلاقی دست برداریم .
- ۱۱ . در اصلاحات فرهنگی رسول الله توجه ویژه ای به علم و دانش شده است . ما هم از این مهم غافل نشویم و هر روز بر علم و معرفت خود بیفزاییم .
- ۱۲ . معلمان و مبلغان قرآن، نقش عمده ای در گسترش و پیشرفت اسلام و معرفی آن به مردم نواحی مختلف داشته اند، مسلمانان نیز باید تلاش کنند هر کدام با اخلاق پسندیده و راه و روش صحیح در زندگی، مروج اسلام باشند .
- ۱۳ . مکاتبات و نامه های ارسالی پیامبر به سران کشورها و برخی حکام عرب در توسعه و معرفی اسلام به عنوان یک آیین جهانی، نقش بسیار مؤثری داشت .
- ۱۴ . تخریب و ویرانی بتکده ها پس از فتح مکه، نشانه عظمت و گسترش اسلام از یک سو و پایان بت پرستی از دیگر سو بود .
- ۱۵ . رسول الله تجلی بخشندگی بود و این روحیه حسنه، باعث جلب قلوب مشرکان

فرم اشتراک فصلنامه قرآنی بیّنات

برای اشتراک فصلنامه قرآنی بیّنات می توانید وجه خود را به حساب جاری سپهر بانک صادرات به شماره ۰۱۰۱۱۱۰۳۱۸۰۰۱ به نام مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) واریز و نسخه اصلی فیش بانکی را همراه فرم تکمیل شده به نشانی مجله ارسال نمایید .
مبلغ ریال طی فیشی که اصل آن پیوست می باشد پرداخت نموده ام .



قم - بلوار شهید محمد منتظری - کوچه شماره ۸ - پلاک ۱۲
صندوق پستی ۱۶۷ - ۳۷۱۸۵